

التقدم الحضاري المادي والتكامل الروحي

پیشرفت تمدن مادی و تکامل روحی

الإنسان خلق ليعرف الله سبحانه وتعالى:

انسان آفریده شد تا خداوند سبحانه و متعال را بشناسد:

﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾⁽¹⁾، أي ليعرفون.

((جن و انس را جز برای پرستش خود نیافریده‌ام))^(۲)؛ یعنی تا بشناسند.

فنحن نعبد لنعرف، ولا خير في عبادة لا تقرب صاحبها إلى الله، وبالتالي تزيده معرفة بالله سبحانه وتعالى، أي إن الإنسان خلق للكمال الروحي والارتقاء إلى أعلى مراتب هذا الكمال الممكن للإنسان.

پس ما عبادت می‌کنیم تا به شناخت و معرفت برسیم و در عبادتی که صاحبش را به خداوند نزدیک نکند هیچ خیری نیست؛ به این ترتیب، عبادت، معرفت و شناخت انسان به خداوند سبحان و متعال را افزایش می‌دهد؛ به عبارت دیگر انسان برای به تکامل رسیدن از نظر روحی و ارتقا به بالاترین مراتب این کمالی که برای انسان امکان‌پذیر است، خلق شده است.

إذن، فالمهم والمنظور هو الروح لا الجسد المتعلق بهذا العالم المادي الجسماني والإنسان يكون خليفة الله سبحانه وتعالى بهذا المعنى، أي إذا تكامل روحياً حتى يصبح صورة الله سبحانه وتعالى في خلقه فيكون خليفته حقاً.

پس مهم و آنچه مد نظر است، روح است نه جسمی که متعلق به این عالم مادی جسمانی است و انسان به این معنی خلیفه و جانشین خداوند سبحان و متعال می‌باشد؛ یعنی اگر از نظر روحانی به تکامل برسد تا آنجا که صورت خداوند سبحان و متعال در خلش می‌شود و خلیفه‌ی برحقش در زمینش می‌گردد.

1- الذاریات: 56.

2- ذاریات: 56.

ويوجد من يحاول جعل الإنسان خليفة الله فقط على الأجسام والطين مع أن الله لم ينظر إلى الأجسام منذ خلقها كما ورد عن رسول الله ﷺ ، ويحاول هؤلاء الجهلة جعل هدف الإنسان المرجو بل والغرض من خلقه هو تحقيق التقدم المادي الجسماني، بينما القرآن بين لنا العلاقة بين التقدم المادي الجسماني والتكامل الروحي هكذا ﴿كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ * أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْجَىٰ﴾ (3)، أي إن الغنى المادي والتقدم المادي داع إلى طغيان الإنسان وانحطاطه الروحي، وهذا منظور اليوم في حياة البشرية على هذه الأرض، فالأرض لم تعرف فساداً وإفساداً وظلماً وطغياناً كما هو حاصل اليوم.

کسانی یافت می‌شوند که تلاش می‌کنند انسان جانشین خداوند را فقط به اجسام و گل منحصر کنند، با وجود اینکه همان‌طور که از رسول خدا ﷺ روایت شده است از هنگامی که خداوند اجسام را آفرید، به آنها نظر نی‌فکند! این افراد نادان تلاش می‌کنند هدف مورد انتظار از انسان و حتی غرض نهایی از آفرینش او را پیاده شدن پیشرفت مادی جسمانی قرار دهند؛ این در حالی است که قرآن رابطه‌ی بین پیشرفت مادی جسمانی و تکامل روحی را اینچنین بیان می‌فرماید: ((**حقاً که انسان سرکشی می‌کند، * آنگاه که خویشتن را بی‌نیاز بیند**)) (۴) ؛ یعنی بی‌نیازی و پیشرفت مادی به سوی طغیان و سرکشی انسان و انحطاط روحانی او فرا می‌خواند، و این همان منظور و هدف امروزی در زندگانی بشری بر این زمین است؛ پس زمین جز فساد، فسادگری، ظلم و سرکشی به خود نمی‌بیند؛ وضعیتی که امروز به دست آمده است.

وربما ينتفض بعض الناس الذين أنسوا هذا العالم المادي حيث إنهم يرون الكمال في التقدم المادي، مع أنهم لو التفتوا لوجدوا هذا العالم المادي الجسماني يسير إلى الزوال، بل هو في زوال مستمر، فكل يوم يموت أناس ويحيا آخرون، بل سيأتي يوم يموت فيه الجميع ولا يحيا أحد مكانهم ﴿كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ﴾ (5).

شاید برخی مردم که به این عالم مادی انس گرفته‌اند به مرحله‌ای رسیده باشند که کمال را در پیشرفت مادی می‌بینند، با اینکه اگر نیک بنگرند می‌بینند که این عالم جسمانی به سوی زوال و نابودی حرکت می‌کند و حتی بطور پیاپی و مستمر در معرض نابودی قرار دارد؛ هر روز انسان‌هایی

3- العلق: 6 - 7.

4- علق: 6 و 7.

5- الرحمن: 26.

می میرند و کسانی دیگر متولد می شوند و روزی خواهد رسید که همگی می میرند بدون اینکه کسی به جای آنها زنده شود: **((هر چه بر آن (زمین) است فانی است))**(۶).

والتقدم المادي الكبير اليوم یشیر إلى قرب هذا الزوال:

پیشرفت مادی بزرگی که امروز به دست آمده، به نزدیک شدن به این زوال و نابودی اشاره می کند:

﴿إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (7).

((به واقع مثل زندگی این دنیا مثل آبی است که از آسمان فرو می فرستیم، پس گیاه زمین به آن در آمیخت، چه آنها که آدمیان می خورند و چه آنها که چهارپایان می چرند. چون زمین پیرایه ی خویش برگرفت و آراسته شد و مردمش پنداشتند که خود قادر بر آن همه بوده اند، فرمان ما شب هنگام یا به روز، در رسد و چنان آن را درویدیم که گویی دیروز هیچ نبوده است؛ اینچنین آیات را برای آنان که می اندیشند به تفصیل بیان می کنیم))(۸).

أما الأرواح فهي باقية ومصيرها الخلود في الجنة أو النار، في النعيم أو الجحيم.

اما ارواح، باقی و ماندگار هستند و عاقبت شان جاودانگی در بهشت یا آتش، و در نعمت یا دوزخ می باشد.

فيجب أن يلتفت الإنسان إلى أنه جاء إلى هذا العالم المادي الجسماني ليخوض الامتحان لا ليبقى أو ليخلد فيه، بل إن هذا العالم المادي الجسماني كله مصيره إلى الزوال والفناء.

۶- الرحمن: ۲۶.

7- يونس: 24.

۸- يونس: ۲۴.

آدمی باید این نکته را در نظر داشته که او به این عالم مادی جسمانی آمد تا وارد امتحانی که در آن ماندگار یا جاوید نیست، گردد و حتی عاقبت خود این عالم مادی جسمانی به عنوان یک گل، در جهت زوال و نابودی است.

نعم، الله یحث المؤمنین علی تحقیق التقدّم المادی الجسمانی لیتحقق لهم الغنی عن الکافرین والمنعة والعزة لصد المحاربین:

آری، خداوند مؤمنان را تشویق می‌کند که پیشرفت مادی جسمانی را محقق سازند تا بی‌نیازی آنها از کافران برآورده گردد و همچنین عزت و نیرومندی برای بی‌اثر کردن جنگجویان (کافر) را به دست آورند:

﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (9).

((و هر آنچه در توان دارید از نیرو و اسبان سواری آماده کنید، تا با آن، دشمن خدا و دشمن خود و دیگری غیر از آنها که شما نمی‌شناسید و خداوند می‌شناسد را بترسانید و هر آنچه را که در راه خدا هزینه می‌کنید به تمامی به شما بازگردانیده شود و به شما ستم روا نگردد)) (۱۰).

ولكن يجب أن يكون هذا التقدّم المادی نابعاً ومرافقاً لإيمان حقیقی ومسيرة تكامل روحي مستمرة للمؤمنین؛ لكي لا يكون صادراً لهم عن ذكر الله والانصياع لأمر الله سبحانه وتعالى، بل هو إذا كان كذلك فسيرافقه توفيق إلهي عظیم:

اما این پیشرفت مادی باید برگرفته و همراه با ایمان حقیقی و در روند پیشرفت تکاملی مستمر و پیوسته برای مؤمنان باشد؛ تا برایشان، عاملی بازدارنده از یاد خدا و گردن نهادن به امر خداوند سبحان و متعال نباشد؛ که اگر این‌گونه باشد توفیق الهی عظیمی همراه با آن خواهد شد:

﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (11).

9- الانفال: 60.

۱۰- انفال: ۶۰.

11- الاعراف: 96.

((اگر مردم شهرها ایمان آورده، پرهیزگاری پیشه کرده بودند، برکاتی از آسمان و زمین را به رویشان می‌گشودیم، ولی (فرستادگان) را تکذیب کردند؛ ما نیز به کیفر کردارشان مواخذه‌شان کردیم)) (۱۲).

فَاللَّهُ سَبْحَانَهُ وَتَعَالَى عِنْدَمَا يَذِيقُ مَنْ يَرْجُو إِيمَانَهُمْ وَتَقْوَاهُمْ نَقْصًا فِي الثَّمَرَاتِ وَالْبَرَكَاتِ يَرْحَمُهُمْ بِهَذَا؛ لِأَنَّهُ يَدْفَعُهُمْ إِلَى الْإِيمَانِ وَالتَّقْوَى حَيْثُ إِنَّ الضَّعْفَ وَالْفَقْرَ دَاعٍ لِلتَّوَجُّهِ إِلَى اللَّهِ.

خداوند سبحان و متعال هنگامی که نقصان و کاستی در ثمرات و برکات را به آنان که امید به ایمان و تقوایشان دارد، می‌چشاند، با این عمل به آنان رحم می‌آورد؛ زیرا آنها را به سوی ایمان و تقوا سوق می‌دهد؛ چرا که ضعف و فقر عامل توجه به سوی خداوند می‌باشد.

في الحديث القدسي: (يا ابن عمران، إِذَا رَأَيْتَ الْغِنَى مُقْبِلًا فَقُلْ: ذَنْبٌ عَجَلَتْ عُقُوبَتُهُ، وَ إِذَا رَأَيْتَ الْفَقْرَ مُقْبِلًا فَقُلْ: مَرَحَبًا بِشِعَارِ الصَّالِحِينَ) (13).

در حدیث قدسی آمده است: (ای فرزند عمران! آن هنگام که دیدی بی‌نیازی به تو روی آورد، بگو: گناهی است که عقوبتش نزدیک شده است، و آن هنگام که دیدی فقر به تو روی آورد، بگو: خوش آمدی، ای نشانه‌ی شایستگان) (۱۴).

أَمَّا إِذَا آمَنَ أَهْلُ الْأَرْضِ وَاتَّقُوا اللَّهَ فَمَاذَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِهِمْ ، وَأَيُّ نَفْعٍ لَهُ سَبْحَانَهُ فِي نَقْصِ ثَمَرَاتِهِمْ وَبِرْكَاتِهِمْ وَأَعْمَالِهِمْ، بَلْ هُوَ وَعْدُهُمْ:

اما اگر اهل زمین، ایمان آورند و تقوی الهی پیشه کنند، خداوند دیگر با عذاب آنها چه کار دارد و نقصان و کاستی در ثمرات، برکت زمین و اعمال‌شان، چه نفعی برای او سبحان خواهد داشت؟! در حالی که او چنین وعده می‌دهد:

﴿لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (15).

((اگر مردم شهرها ایمان آورده، پرهیزگاری پیشه کرده بودند، برکاتی از آسمان

۱۲- اعراف: ۹۶.

۱۳- انظر الكافي: ج 2 ص 263.

۱۴- مراجعه کنید به کافی: ج ۲ ص ۲۶۳.

۱۵- الأعراف: 96.

و زمین را به رویشان می‌گشودیم)) (۱۶).

إذن، يجب أن يكون سعي وحركة الإنسان تجاه التكامل الروحي والإيمان الحقيقي.

بنابراین، باید جهت‌گیری سعی و حرکت انسان به سوی تکامل روحی و ایمان حقیقی باشد.

أما التقدم المادي الجسماني فأيضاً يسعى له الإنسان من منظور التكامل الروحي، أي أن يكون السعي للتقدم المادي طاعة لله ولتحقيق إرادة الله على هذه الأرض من نشر التوحيد والرحمة والعدل.

پیشرفت مادی جسمانی نیز - که انسان برایش تلاش می‌کند - باید از منظر تکامل روحی باشد؛ یعنی سعی و تلاش در پیشرفت مادی، اطاعت از خداوند و برای پیاده ساختن اراده و خواست خداوند در جهت گسترش توحید، رحمت و عدالت بر این زمین باشد.

أما تقدم الكفار المادي فلا يظن المؤمنون أنه توفيق إلهي أو خير لهم، بل هو شر لهم لأنه سبب لتماديهم في الطغيان والتكبر على إرادة الله سبحانه وتعالى:

اما در مورد پیشرفت مادی کافران، مؤمنان چنین می‌دانند که این پیشرفت توفیقی الهی یا خیری برای آنها است، بلکه این پیشرفت، شری برایشان است؛ چرا که باعث پا بر جا ماندن در سرکشی و تکبر در برابر اراده و خواست خداوند سبحان و متعال می‌باشد:

﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ مَالَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنفُسِهِمْ إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيُزِدُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾ (17).

((آنان که کفر ورزیدند می‌دانند در مهلتی که به آنها می‌دهیم خیری برایشان است؛ ما فقط به آنها مهلت می‌دهیم تا بر گناهان بیفزایند؛ و آنها عذابی خوار کننده خواهند داشت)) (۱۸).

۱۶- اعراف: ۹۶.

۱۷- آل عمران: ۱۱۸.

۱۸- آل عمران: ۱۷۸.

وتكون الدنيا وزخرفها سبباً لسكرهم وابتعادهم عن الله:
دنيا و زینت‌هایش باعث مستی و دور شدن آنها از خداوند می‌شود:

﴿لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ﴾ (19).

((به جان تو سوگند که آنها در مستی خود سرگشته بودند)) (۲۰).

فأَيُّ خسارةٍ أعظم من أن يكون الإنسان عدواً لله؟! وأيُّ مكسبٍ أبخس من الدنيا وزخرفها ﴿وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ﴾ (21).

و چه زبانی بزرگ‌تر از اینکه انسان دشمن خدا باشد؟! و چه دست‌آوردی خبیث‌تر و پلیدتر از دنیا و زینت‌هایش! ((و اگر نه آن بود که همه‌ی مردم یک امت می‌شدند، قطعاً سقف‌های خانه‌های کسانی را که خدای رحمان را باور ندارند از نقره می‌کردیم و بر آنها نردبان‌هایی می‌نهادیم تا بر آن بالا روند)) (۲۲).

* * *

19- الحجر: 72.

۲۰- حجر: ۷۲.

21- الزخرف: 33.

۲۲- زخرف: ۳۳.